

بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان کلاس های چند پایه و عادی در مدارس ابتدایی

نادر سلیمانی^۱، احمد حدادیان^۲، کاظم شهبازی^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر مقایسه دانش آموزان کلاس های چند پایه و عادی از نظر مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بود. تحقیق به شیوه توصیفی (پیمایشی) انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی کلاسهای چند پایه و عادی مناطق جوادآباد و ساوجبلاغ در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ به تعداد ۴۲۲۵ نفر بودند. حجم نمونه مطابق جدول مورگان تعداد ۲۷۹ نفر برآورد گردید و به روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی طبقه ای انتخاب شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته مهارت های اجتماعی مرکب از ۱۱ مولفه و ۴۶ گویه و آزمون پیشرفت تحصیلی (دروس علوم، ریاضی، جغرافیا، فارسی) استفاده شده است. داده های گردآوری شده با کمک شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و ...) و آزمون t دو گروهی مستقل تجزیه و تحلیل شدند. یافته های پژوهش نشان داد که بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی و چند پایه در چهار درس علوم، جغرافی، فارسی و ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دانش آموزان عادی است. نتیجه دیگر تحقیق مشخص ساخته است که بین سطح مهارت های اجتماعی دانش آموزان عادی و چند پایه تفاوت معنادار وجود دارد ولی این تفاوت به نفع دانش آموزان کلاسهای چند پایه است.

کلید واژه ها: مهارت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، کلاس چند پایه، کلاس عادی (تک پایه).

۱- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول) drnasoleimani@yahoo.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی/دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مقدمه

در آموزش و پرورش شرایط متنوعی در حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد که متفاوت از یکدیگر بوده و برنامه ریزان به ویژه معلمان به مقتضای شرایط می‌بایست کار یاددهی و یادگیری را پیش ببرند. یکی از این شرایط ویژه وجود مدارس کوچک یا کلاس‌های چند پایه است که یک معلم مجبور است چند پایه را به طور همزمان و در یک کلاس تدریس کند. این موقعیت‌ها نسبتاً رایجند و معمولاً در مناطق روستایی یا در مدارس کپری و مدارس خاص روی می‌دهند. (مکوسانا و کاپیسا^۴، ترجمه آقازاده ۱۳۸۶)

با توجه به شرایط اقلیمی کشور ما و نیز وضع موجود اقتصادی حاکم بر مناطق روستایی دور افتاده، تشکیل کلاس‌های چند پایه در دوره ابتدایی با امکانات آموزشی و رفاهی بسیار پایین واقعیتی است که نباید نادیده گرفته شود؛ چرا که کاهش جمعیت روستاها به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها، کاهش رشد جمعیت کشور و بالا رفتن سن ازدواج، باعث کاهش جمعیت دانش‌آموزی و در نتیجه افزایش کلاس‌های چند پایه شده است و تنها دبستان‌های روستاهای پرجمعیت و مراکز بخش‌ها دارای کلاس‌های تک پایه بوده است. لذا اهتمام به این مهم باید به عنوان بخش مهمی از وظیفه دست‌اندرکاران تلقی شود (صمدیان، ۱۳۸۷). طبق آمار سال تحصیلی ۸۷-۸۸ در حدود ۶۳ هزار مدرسه ابتدایی در کشور دایر است؛ که بیش از ۲۸ هزار واحد آن به صورت چند پایه و از دو تا پنج پایه متفاوت است. (مرکز آمار آموزش و پرورش؛ ۱۳۸۸). در مواردی، کلاس‌ها با ۵ نفر در ۵ پایه و به صورت مختلط تشکیل می‌گردد و در برخی مناطق روستایی این کلاس‌ها با جمعیت ۳۰ نفر در دو یا سه پایه می‌باشد؛ که در آن یک نفر به عنوان مدیر آموزگار، هم‌مدیریت می‌کند و هم‌یک یا دو پایه را تدریس می‌کند. هم‌چنین در پی برگزاری کنفرانس جهانی آموزش برای همه در تایلند (۱۹۹۰) و سپس در داکار (۲۰۰۰)، که یک رویداد مهم تاریخی بود، یونیسف^۵ را بر آن داشت تا نگاه دقیق‌تری به آموزش پایه داشته باشد و تلاش‌های خود را بر همگانی کردن آموزش و پرورش ابتدایی از طریق به کارگیری رویکردهای عملی و متنوع متمرکز کند. یکی از این راهبردها، تشکیل کلاسهای چندپایه است (کومینگز و دال، ۱۳۷۶).

⁴ Macsona & Capisa

⁵ UNICEF

در تجارب جهانی، ویتنام از جمله کشورهایی است که منابع قابل توجهی را صرف گسترش کلاس های چند پایه نموده است؛ و آموزش چند پایه را به عنوان یک روش آموزشی به رسمیت شناخته و خواستار ارتقای گسترده ی آن شده است. در این کشور اختصاص دادن نیروی انسانی کافی به مدارس تک پایه با شرایط دشوار اقلیمی برخی نواحی امکان پذیر نیست و معلمانی که به مناطق خاص اختصاص داده می شوند نسبتاً کم است به این دلیل و دلایل اقتصادی- اجتماعی دیگر تعداد مدارس چند پایه در ویتنام افزایش یافته و مورد توجه خاص واقع شده است.

ژاپن نیز از جمله کشورهایی است که با تصویب قوانینی از جمله «قانون اصلاح آموزش و پرورش در مناطق دور افتاده» و «گام های اضطراری برای مناطق دارای جمعیت پراکنده» تلاش کرده است استانداردها را در کلاس چند پایه بالا ببرد. به این منظور مجوزهای خاصی برای افزایش حقوق معلمان این کلاسها، تامین مسکن آنها و فراهم نمودن وسایل حمل و نقل، امکانات بهداشتی، خدمات پزشکی و پرستاری در مدارس برای دانش آموزان و افزایش سهم خزانه داری ملی برای توسعهء ساختمانها و ورزشگاهها و مسکن معلمان در مناطقی که کلاسهای چند پایه دارند، ارائه شده است. بررسی ها در ایالات مختلف ژاپن نشان می دهد گرچه روش گروه بندی براساس سن هنوز در حال توسعه است و مخالفت هایی با کلاس های چند پایه می شود؛ اما در برخی از ایالتها این کلاس ها برای متخصصین آموزشی یک انتخاب برتر است. در بسیاری از مدارس معلمان پیشنهاد ادغام کلاسها را ارائه کرده اند و دیوار کلاسها را برداشته اند؛ زیرا آنها معتقدند جامعه و خانواده چند سنی هستند و آموزش باید نمونه ای از زندگی واقعی دانش آموزان باشند، شاگردان با سنین مختلف باید در یک کلاس ادغام شوند.

در تحقیقی که توسط کاترین سارجنت (۲۰۰۵) ارائه شده، آمده است: کشور چین نیز از سال ۱۹۹۰ برای اینکه بتواند نرخ جمعیت را برای آموزش افزایش دهد، رو به تشکیل کلاس های چندپایه آورده است؛ اما نحوه برگزاری یک کلاس چندپایه مورد نقد معلمان و والدین است، چراکه آنها معتقدند برگزاری کلاس های چندپایه، جایگزین مناسبی برای رشد و ترقی این کشور نخواهد بود. ایشان معتقدند کلاس های تک پایه برای رسیدن به دستاوردهای علمی و عملی، مؤثرتر می باشد. اجبار سیستم آموزشی این کشور برای ادامه کلاس های چندپایه از چند جهت می باشد: جمعیت زیاد، نداشتن اماکن مناسب برای برگزاری کلاس های تک پایه و ... همچنین

در این مقاله اشاره شده است که بیشتر روستاهای کشورهای در حال توسعه جهان، مانند اندونزی، هند، بنگلادش، کلمبیا، مکزیک، زئیر و ... در راستای نظام آموزشی چندپایه حرکت می نمایند. البته قابل ذکر است بعضی از کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا، کانادا، انگلستان، آلمان، هلند و ... نیز برای جوامع روستایی خودشان، اقدام به برگزاری کلاس های چندپایه نموده اند. آنها به جهت اینکه روستاهای مورد اقدام این کشورها از بابت قَلت جمعیت، نسبت به این مهم اقدام کرده اند اما با این تفاوت که در نحوه آموزش برای این کلاس ها از شیوه های نوین تدریس و فرصت های برابر آموزشی استفاده کرده اند.

رودگر آدامز، (۲۰۱۰) در تحقیقات آموزشی که در مناطق روستایی کشور کانادا انجام داده است به واقعیت هایی در خصوص مدارس چندپایه در این کشور پی برده است. مدارس چندپایه از نظر فضای آموزشی بسیار کوچکتر از مدارس تک پایه بوده و همچنین تعداد دانش آموزان این مدارس نیز نسبت به مدارس تک پایه کمتر است. این مدارس در خارج از محیط اصلی روستا (خارج از مرکز روستا) واقع شده است و این بدان جهت است که اکثریت ساکنین این محلات، مهاجرین می باشند. او دریافته است این نحوه از آموزش در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کاربردی مناسب دارند با این تفاوت که امکانات هر کشور با کشور دیگر در نحوه اجرا و آموزش، تأثیر بسزایی دارد. به عنوان مثال در کشور کانادا، معلمان این مدارس آموزش های زیاد و ویژه ای جهت تدریس طی می کنند. (به خصوص آموزش از راه دور). دوره تدریس این معلمان بسیار کوتاه است و این شاید به جهت پراکندگی سطوح درسی درسی چندپایه باشد و به همین جهت تعداد معلمان حرفه ای در این نحوه تدریس بسیار کم است. این سیستم آموزشی به جهت انعطاف پذیر بودن، دانش آموزانی که از هوش و استعداد برتری نسبت به سایرین برخوردارند را قادر می سازد، مراحل آموزش را سریعتر طی نمایند.

به طور کلی وجود مدارس ابتدایی با کلاس های چند پایه واقعیتی است که در بسیاری از مناطق آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین نواحی دیگر جهان وجود دارد هر چند که از لحاظ کیفیت اجرا با هم تفاوت دارند. به عنوان مثال در چین بیش از ۴۲۰ هزار و در اندونزی ۲۰ هزار و در مالزی ۱۵۴۰ مدرسه تک اتاقی و ۸ درصد آموزشگاههای فیلیپین و ۶۱ درصد دبستان های هندوستان، تنها

یک یا دو آموزگار دارند . ۲۲ درصد از دبستان های مکزیک دارای ۶ پایه با تنها یک آموزگار هستند (حاجی اسحاق، ۱۳۸۹).

شواهد تجربی نشان می دهد که در ایران آموزش چندپایه چندان مورد توجه مسولان نیست . به نظر می رسد این بی مهری به دلیل احاطه الگوی فعلی آموزش ابتدایی (کلاس های تک پایه) است . در صورتی اگر قرار باشد؛ آموزش چندپایه از قید و بندهای نظام فعلی آزاد شود و زمام امور را به عنوان یک روش آموزشی معتبر در دست بگیرد، نیازمند یک تغییر الگویی که در مبانی آموزشی، فلسفی، اجتماعی و روانشناسی آموزش و پرورش تغییر پایدار ایجاد کند. ناهماهنگی مدارس و کلاس ها را به رسمیت بشناسد و به آن بها دهد، به کودک به عنوان یک کل بنگرد و به علایق و سلیق او نیز توجه کند و نقش و جایگاه معلم را از آموزش دهنده به راهنما و تسهیل گر تغییر دهد. دستاورد چنین الگویی، می تواند از طریق اصلاح سازمان دهی برنامه درسی، بهبود راهبردهای یاددهی- یادگیری، تهیه و تولید مواد آموزشی، اصلاح شیوه های ارزشیابی و تغییر نقش معلم با توجه خاص به تربیت معلم امکان پذیر است. بدین ترتیب تدریس چندپایه می تواند به عنوان یک راهکار مؤثر آموزشی و اقتصادی، آرمان های ملی را در زمینه آموزش و پرورش برای همه به ویژه در مناطق محروم و جذب پسران و دختران بازمانده از تحصیل، تحقق بخشد (آقازاده و فضل، ۱۳۸۴).

شواهد فراوانی پیرامون تفاوت رفتار دانش آموزان کلاس های چند پایه و تک پایه در حیطه شناختی (پیشرفت درسی) و غیر شناختی (مهارت های اجتماعی) به چشم می خورد. به عنوان مثال پژوهش مددی امام زاده (۱۳۸۳) با موضوع «بررسی و مقایسه مهارت های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش آموزان کلاس های چندپایه و تک پایه (مدارس ابتدایی) نشان داده است که بین دانش آموزان کلاس های چندپایه و تک پایه از نظر میزان مهارت های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد . دانش آموزان کلاس های چندپایه، مهارت های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری را نسبت به دانش آموزان کلاس های تک پایه دارند . بین این دو گروه (کلاس های چندپایه و تک پایه) از نظر عزت نفس تفاوت معناداری مشاهده نشد و فقط در خرده آزمون های عزت نفس (عزت نفس تحصیلی)، میانگین نمره های دانش آموزان کلاس های چندپایه نسبت به تک پایه بالاتر بود (مددی امام زاده، ۱۳۸۳). شورای تحقیقات سازمان

آموزش و پرورش استان اصفهان در سال ۱۳۷۵، تحقیقی با عنوان مقایسه وضعیت آموزشی و هزینه های جاری کلاسهای تک پایه و چندپایه طی سال های ۷۰ تا ۷۲ انجام داده است. بدین منظور ۹۰ کلاس پایه پنجم از هر گروه به شیوه تصادفی انتخاب شده و درصد قبولی و میانگین کلاس ها از طریق آزمون های مجذور کای و t مقایسه شده است. بر اساس یافته های این تحقیق، بین درصد قبولی کلاس های تک پایه و چندپایه در سال های مورد بررسی، تفاوت معنی دار آماری وجود داشته که این تفاوت به نفع کلاس های تک پایه است. همچنین بین میانگین نمرات دروس کتبی خردادماه دانش آموزان کلاس های چندپایه و تک پایه، تفاوت معنی دار آماری مشاهده شده است که این تفاوت نیز به سود کلاس های تک پایه بوده است. تحقیق دیگری با موضوع «میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان چندپایه و تک پایه پنجم ابتدایی در روستاهای شهرضا» توسط اقدامی انجام شده است. در این تحقیق از نمرات دانش آموزان کلاس پنجم در چهار درس ریاضی، علوم، تاریخ- مدنی و دینی استفاده شده است. نتایج نشان داده است که بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس های چندپایه و تک پایه، تفاوت زیاد و معنی داری وجود دارد. (نیکبخت، ۱۳۸۰).

نتایج تحقیق نیکل بلام و رشمی دیوان (۲۰۰۷) در کشور هندوستان حاکی از این است که در مدارس چندپایه، به جهت اینکه دانش آموزان از سنین مختلف و سطوح تحصیلی متفاوت هستند، میزان پیشرفت تحصیلی را به حداقل ممکن تنزل می دهد. مضافاً اینکه معلمان هم در ارائه مطالب آموزشی دچار مشکل هستند.

ماسون و برنزر^۶ (۱۹۹۴) تأثیرات منفی کلاس های چند پایه را در حیطه شناختی و پیشرفت درسی بررسی کرده اند و اعلام کرده اند که شاید تدریس در این کلاس ها با مشکلاتی مواجه است. هرگاه برنامه های کلاس ها از طریق منابع لازم، پشتیبانی نشوند و تربیت معلمان به درستی صورت نگیرد، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دچار رکود می شود؛ چون معلمان نیاز به دوره های کارآموزی و کتاب های ویژه دارند تا وظایف خود را انجام دهند. از طرفی دانش آموزان ممکن است از توجه انفرادی، کمتر برخوردار شده و غالباً کارهای خود را مستقلاً انجام دهند. مواد آموزشی، مسائل مالی، ایجاد ساختمان های ویژه برای مدارس کوچک که در هر مکان فقط

6. Mason & Burns

دو یا چند کلاس درس باشد تا بتوان شیوه های جدید تدریس را در آنها اجرا کرد؛ از جمله مشکلات این کلاس ها می باشد.

از طرف دیگر برخی تحقیقات دیگر نشان می دهد برنامه های کلاسهای چند پایه باعث ارتقاء سطح آموزش در بسیاری از مدارس شده است و نتیجه بهتری از آموزش سنتی داشته است. شصت و چهار مورد مطالعه در امریکا و کانادا گزارش شده است که اکثر (۵۸ درصد) کلاسهای چند پایه در انجام تست موفقیت بیشتری داشته اند. بهداشت روانی ۵۲ درصد دانش آموزان این کلاس ها نیز وضعیت بهتری داشته اند. (غفاری، ۱۳۸۱). هاریسون (۱۹۸۸) نیز نتیجه های مثبتی را از تجربه های چندپایه ای در شمال شرقی برزیل گزارش می دهد. وی بر تأثیر مثبت آموزش توسط هم سالان و تکرار مطالب تأکید می ورزد و به ویژه در آموزشگاه هایی که منابع محدود است و دانش آموزان اغلب به علت بیماری غایب می شوند و یا ناگزیرند در خانه کار کنند. (به نقل از نیکبخت، ۱۳۸۰).

برخی پژوهشگران علل افزایش احتمالی میزان پیشرفت تحصیلی در کلاس های را در سه عامل زیر نهفته می دانند که بخش جدانشدنی از هر برنامه آموزش چندپایه ای است:

۱. یادگیری خودگردان توسط دانش آموزان

۲. آموزش توسط هم سالان

۳. گوناگونی روش های ارائه آموزش

در جمع بندی آنچه که در فوق گفته شد؛ مشخص می شود که نتایج نسبتاً متناقضی در خصوص پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس های چندپایه وجود دارد و این موضوع همواره یکی از دغدغه های مسولان آموزش و پرورش، اولیا و معلمان بوده و هست. مهارت های اجتماعی، نیز یکی دیگر از مؤلفه هایی است که از محیط مدرسه و جو کلاس تأثیر می پذیرد. مهارت های اجتماعی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی و پاسخ های مؤثر و مناسب را در بر می گیرند و بیشتر جنبه تعاملی داشته، تقویت های اجتماعی را به حداکثر می رساند و بر اساس ویژگی های فرد و محیطی که فرد در آن واقع شده است توسعه می یابند و از طریق آموزش رشد می کنند. (کارتلج^۷، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۷۵) آموزش مهارت های اجتماعی یکی از اهداف اصلی و مهم کلاس های

چندپایه بوده و آموزش برخی از آنها به طور مستقیم امکان پذیر است (کرامتی، ۱۳۸۱). انتظار می رود محیط مدرسه و کلاس های چند سنی در آموزش این مهارت ها نقش مهمی را ایفا کنند؛ مهارت هایی که جنبه تعاملی داشته و موجب شروع و تداوم ارتباط متقابل مثبت با دیگران گردد. متأسفانه مهارت های اجتماعی به عنوان جزئی از دروس مدرسه ای همیشه مورد بی توجهی قرار گرفته است و فقط زمانی به این مهم توجه می شود که دانش آموزان از خود رفتاری نامناسب، مغایر با آنچه مورد نظر اولیا می باشد، نشان دهند. احتمالاً وجود چنین وضعیتی مربوط می شود به تأکید بیش از اندازه بر آموزش محدود مهارتهایی که از دیدگاه معلمان با ارزش است و عدم احساس مسئولیت در آموزش مهارت های اجتماعی از طرف آموزگاران، گویی که این امر جزئی از مسئولیت آنها نمی باشد (جمشیدی، ۱۳۸۱).

به هر صورت که به موضوع نگریسته شود؛ کلاس های چندپایه باید در کشور به طور جدی مورد توجه قرار گیرند، چرا که اینک نقش بسیار مهمی در آموزش نواحی دور افتاده روستایی و نواحی غیر برخوردار ایفا می کنند. در اکثر موارد، این کلاس ها در نواحی روستایی متمرکز است و کوشش زیادی باید صرف بهبود تدریس و شرایط یادگیری در این مدارس شود. از آن گذشته تدریس در کلاس های چند پایه به عنوان شیوه بسیار تأثیرگذار و تعلیم برای بهبود و یادگیری فردی و مستقل مطرح شده است. زمانیکه برنامه تدریس مطابق با نیازهای فردی دانش آموزان باشد این تدریس می تواند شیوه های مفید تدریس و یادگیری را مطرح سازند، که کاربرد آن در تمام مدارس و کلاسها امکان پذیر باشد. درعین حال باید گفت که این نوع مدارس معمولاً در نظام های آموزشی کشورها نادیده گرفته می شوند و در بیشتر مواقع فقط به عنوان شیوه اجتناب ناپذیری به منظور رسیدن به هدف «آموزش برای همه» در نظر گرفته می شوند (مددی امام زاده، ۱۳۸۳).

با توجه به برخی اثرات نامطلوب کلاس های چند پایه بر فرآیند یاددهی - یادگیری برخی صاحب نظران نظرات چندان مساعدی نسبت به این نوع آموزش ندارند. برخی از آنها استفاده از کلاسهای چند پایه را در دروس قرائت، ریاضی و دیگر موضوعات فهمیدنی سودمند نمی دانند. برخی دیگر محدودیت هایی برای این گونه کلاس ها برشمرده اند. مثلاً این که تفکیک دانش آموزان در این کلاس ها دشوار است، فشار کار معلم زیاد است، به نیازهای فردی دانش آموزان کمتر توجه

می شود، فضای فیزیکی برای همه گروههای دانش آموزان وسعت کافی ندارد تا فعالیتهای خود را تحت راهنمایی معلم انجام دهند.

خلاصه تجربیات کشورهای استرالیا، بنگلادش، اندونزی، جمهوری کره، مالزی، مالدیو، نپال، پاکستان، فیلیپین و تایلند نیز تاکید می کند که برنامه ریزی آموزش ابتدایی حداقل توانایی های آموزشی لازم برای کلاس های چند پایه را تعیین نموده است، و بکارگیری برنامه های مدرسه ای رایج برای کلاسهای چند پایه مشکل است. معلمان کلاسهای چند پایه با کمبود مواد کمکی و وسایل آموزشی مواجه اند. ارزشیابی مستمر و مداوم نیاز ضروری این کلاسها است. با وجود آنکه بسیاری از معلمان در وضعیت آموزشی چند پایه کار می کنند تعداد کمی از کشورها خدمت تربیت معلم را قبل یا در حین تدریس برای آنها فراهم می سازند و سیستم آموزشی به طور کلی توجه کافی به کارکرد مناسب چند پایه ندارد.

با همه مشکلاتی که تدریس در کلاسهای چند پایه دارد؛ توجه به شرایط جغرافیایی، اقلیمی و منطقه ای روستایی و محروم ایران و کاهش جمعیت دانش آموزی در دوره ابتدایی و امضای عهدنامه داکار، به نظر می رسد افزایش کلاس های چند پایه غیر قابل اجتناب است و توجه خاص به بهبود کیفیت آن، امری ضروری است. گرچه تاکنون به این مهم توجه جدی نشده است؛ اما کنار گذاشتن و بی توجهی به آن خلاف واقعیت موجود را نشان می دهد (غفاری، ۱۳۸۱). بنا به آنچه که گفته شد؛ پژوهش حاضر برآن است به مقایسه مهارتهای اجتماعی و پیشرفت درسی دانش آموزان کلاسهای چند پایه و تک پایه در پایه پنجم ابتدائی بپردازد.

فرضیه های تحقیق

۱. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک پایه و چند پایه در درس علوم تفاوت معنادار وجود دارد.
۲. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک پایه و چند پایه در درس جغرافی تفاوت معنادار وجود دارد.
۳. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک پایه و چند پایه در درس ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد.

۴. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تک پایه و چندپایه در درس فارسی تفاوت معنادار وجود دارد.
۵. بین پیشرفت تحصیلی (کل) دانش آموزان تک پایه و چندپایه تفاوت معنادار وجود دارد.
۶. بین سطح مهارت های اجتماعی دانش آموزان تک پایه و چندپایه تفاوت معنادار وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر توصیفی (پیمایشی) است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع پنجم ابتدائی کلاسهای چند پایه به تعداد ۲۳۰ نفر و عادی به تعداد ۳۹۹۵ نفر از مناطق آموزش و پرورش جوادآباد ورامین و ساوجبلاغ بودند. مطابق با جدول مورگان نمونه آماری تحقیق ۲۷۹ نفر (۲۲۸ نفر دانش آموز از کلاس های عادی و ۵۱ نفر دانش آموز از کلاس های چندپایه) برآورد و به صورت نمونه گیری خوشه ای و تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. برای گردآوری بخشی از داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. از ترکیب پرسشنامه های محقق ساخته کرامتی (۱۳۸۰) و فخری (۱۳۸۵) پرسشنامه ای مرکب از ۴۶ گویه با سه گزینه "بلی"، "خیر" و "گاهی اوقات" در ۱۱ مولفه (احترام به دیگران، همکاری، رعایت مقررات، اعتماد به نفس، دوست یابی، سؤال کردن، مسؤولیت پذیری، دادن جواب «نه» به دیگران، پذیرش جواب «نه» از دیگران، شرکت در فعالیت های گروهی و برقراری ارتباط) تدوین و برای سنجش مهارت های اجتماعی دانش آموزان مورد استفاده قرار گرفته است. برای اطمینان از روایی محتوایی این پرسشنامه از نظرات تخصصی خبرگان استفاده شده است. پرسشنامه ابتدا بر روی ۳۰ نفر به شیوه آزمایشی اجرا شد و پس از حذف تعدادی از سوالات ضریب الفای کرانباخ پرسشنامه برابر با ۰/۷۸ بدست آمد. برای سنجش پیشرفت تحصیلی نیز از آزمونی معلم ساخته شامل دروس ریاضی با ۲۰ سؤال، علوم با ۱۰ سؤال، فارسی با ۱۰ سؤال و جغرافی نیز با ۱۰ سؤال که برای پایه پنجم ابتدایی طراحی شده است استفاده گردید. در طراحی این آزمون محقق ساخته که براساس کتب پایه پنجم ابتدایی تدوین شده است، ابتدا از ۳۰ نفر از معلمان پایه پنجم ابتدایی و چند تن از معلمان راهنما نظرخواهی به عمل آمد. سپس توسط اعضای محترم گروه آموزش ابتدایی سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران، مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت و نتیجتاً پس از ارزشیابی توسط آنان و

با توجه اظهار نظر متخصصان ذیربط دانشگاه، به صورت آزمایشی بر روی ۳۰ نفر دانش آموز (به غیر از نمونه اصلی) اجرا شد. برای اطمینان از ضریب پایایی خرده آزمون ها از شیوه دو نیمه کردن آزمون استفاده شده است. همبستگی بین دو نیمه هر یک از خرده آزمون ها به ترتیب برای درس ریاضی ۰/۴۶۵، علوم ۰/۵۵۳، جغرافیا ۰/۴۸، فارسی ۰/۴۲۶ حاصل شده است که همگی در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار هستند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t دو گروهی مستقل استفاده شده است.

یافته ها

نتایج آزمون فرضیه های ۱ تا ۶ در جدول ۱ خلاصه شده است:

جدول ۱. خلاصه محاسبات آزمون t برای مقایسه میانگین تحصیلی دو گروه

نام درس	پایه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لون همسانی		T	درجه آزادی	Sig
					وارانس ها	F			
علوم	عادی	۲۲۶	۱۸,۱۳	۱,۸۴	۲۳,۶۶	۰,۰۰۰	-۶,۹۳	۲۷۵	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱۵,۹۴	۲,۷۷					
جغرافیا	عادی	۲۲۶	۱۷,۴۹	۲,۳۵	۱,۷۷	۰,۱۸۴	-۴,۹۰	۲۷۵	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱۵,۶۷	۲,۵۸					
ریاضی	عادی	۲۲۶	۱۶,۷۵	۲,۳	۱۴,۴۰	۰,۰۰۰	-۷,۹۴	۲۷۵	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱۳,۵۴	۳,۶۵					
فارسی	عادی	۲۲۶	۱۵,۳۳	۲,۱۳	۳,۰۸	۰,۰۸۰	-۷,۶۲	۲۷۵	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱۲,۷۵	۲,۳۷					
پیشرفت تحصیلی (کل)	عادی	۲۲۶	۱۷	۵,۳۸	۰,۲۱	۰,۶۴۳	-۳,۸۱	۲۷۴	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱۴,۰۶	۲,۳۶					
مهارت های اجتماعی	عادی	۲۲۶	۱,۵۵	۰,۱۸۵	۱,۱۵	۰,۲۸۳	۶,۲۴۳	۲۷۷	۰,۰۰۰
	چند پایه	۵۱	۱,۷۲	۰,۱۴۲					

همانگونه که جدول فوق نشان می دهد میانگین پیشرفت تحصیلی و همچنین تمامی میانگین نمره دانش آموزان کلاس های عادی در دروس چهارگانه علوم، جغرافیا، ریاضی و فارسی از

میانگین درس دانش آموزان چند پایه بالاتر است. در سنجش معناداری تفاوت بین میانگین‌ها تمامی مقادیر t در سطح $\alpha = 0,01$ معنادار حاصل شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول تا پنجم پژوهش با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شوند و این بدان معنا است که بین میانگین‌های دو گروه در دروس مذکور تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه دانش آموزان عادی است. علاوه بر این جدول نشان می‌دهد میانگین مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان کلاس‌های تک پایه ۱,۵۵ است که از میانگین مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان چند پایه با میانگین ۱,۷۲ پایین‌تر است. برای سنجش معناداری تفاوت بین دو میانگین مذکور مقدار t برابر با ۶,۲۴۳ محاسبه شده است که در سطح $\alpha = 0,01$ معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه ششم با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود و این بدان معنا است که بین میانگین‌های دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع چندپایه است.

بحث و نتیجه گیری

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان عادی و چندپایه در چهار درس علوم، جغرافی، فارسی و ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد. و این تفاوت به نفع دانش آموزان عادی است. این نتیجه با نتایج تحقیقات اسدکی (۱۳۸۰)، ماسون و برنز ۱۹۹۴، کاترین سارجنت ۲۰۰۵ و غفاری ۱۳۸۱ همسواست. در تبیین این یافته می‌توان گفت که علیرغم اینکه در کلاسهای چندپایه عوامل مختلفی از جمله: تعامل بین دانش آموزان و ایجاد یک سیستم حمایتی، محیط رقابتی و همچنین ایجاد فرصت برای خود برنامه ریزی، وجود دارد با این حال اینگونه به نظر می‌رسد که عواملی که باعث ایجاد فضای پیشرفت تحصیلی در کلاسهای عادی گردیده اند حائز اهمیت بیشتر هستند. در تبیین این یافته می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: (۱) معلمان در کلاسهای تک پایه فرصت بیشتری جهت تمرکز بر روی یک پایه تحصیلی دارند و وقت بیشتری برای دانش آموزان صرف می‌کنند. (۲) در کلاسهای چندپایه خانواده‌های دانش آموزان از لحاظ مسائلی اجتماعی از جمله فقر، خانواده پر جمعیت و غیره در سطح پایین‌تری نسبت به خانواده‌های دانش آموزان کلاسهای عادی قرار دارند، که این موضوع می‌تواند در وضعیت پیشرفت تحصیلی آنان تاثیر گذار باشد. (۳) با توجه به اینکه کلاسهای چندپایه معمولاً در مناطق روستایی، نسبتاً محروم و دورافتاده برگزار می‌گردد از امکانات آموزشی کمتر و فضای

آموزشی نسبتاً نامناسب برخوردار هستند؛ این موضوع می تواند در وضعیت پیشرفت تحصیلی این گروه در جهت عکس تاثیرگذار باشد. (۴) معمولاً معلمانی که در کلاسهای چند پایه تدریس می کنند از آموزش های اضافی تر و تخصصی تر نسبت به معلمان کلاس های عادی برخوردار نیستند و این موضوع بر پایین بودن پیشرفت تحصیلی این گروه احتمالاً تاثیر گذار است.

نتیجه دیگر تحقیق مشخص ساخته است؛ که بین میانگین مهارت های اجتماعی دانش آموزان تک پایه و چند پایه تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع دانش آموزان کلاسهای چند پایه است. نتایج بدست آمده در این زمینه با تحقیقات میلر ۱۹۹۰، مک کلند ۲۰۰۱، بری ۲۰۰۱، مددی امام زاده ۱۳۸۳، باگوتا لالیت کیشور ۲۰۰۹ و انجمن توسعه آموزش و پرورش در آفریقا (ADEA) ۲۰۱۰ همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که محیط آموزشی و بخصوص محیطهای نامتجانس، نقش مهمی در رشد مهارتهای اجتماعی دارند. از آنجا که شرایط تسهیل کننده و نیز استفاده از شیوه های برقراری ارتباط مناسب و کارآمد با دیگران به داشتن ارتباط ماهرانه کمک می کند، در کلاسهای چند پایه نیز این موقعیت های تسهیل کننده و برقراری ارتباط با دیگران و نیز استفاده از این شیوه ها به کرات اتفاق می افتد. همچنین به نظر میچلسون^۸ (۱۹۸۳)، مهارتهای اجتماعی، رفتارهای اکتسابی بوده و از طریق مشاهده، مدل سازی و تمرین و بازخورد می توانند آموخته شوند. در این کلاسها به دلیل مشاهده رفتارهای اجتماعی از سوی کودکان کوچکتر و الگو سازی آنان می توان انتظار داشت که اکتساب مهارتهای اجتماعی در این کلاسها تسهیل شود. کودکان بزرگتر نیز که بارها نقش معلم را ایفا می کنند، مؤلفه های مهارتهای اجتماعی مانند، توضیح دادن، سؤال کردن، پاداش و تقویت را تجربه می کنند. نکته دیگر این است که تعامل بین سنین و استعداد های مختلف به رشد مهارتهای اجتماعی منجر شده و به نظر مک کلند (۲۰۰۱)، جدا سازی کودکان سنین مختلف منجر به کاهش سیستم حمایتی اجتماعی و در نتیجه رشد میانه مهارتهای اجتماعی کودکان می گردد. بنابراین کلاسهای چند پایه می تواند علاوه بر رشد علمی، نقش مهمی بعنوان مکانی برای تعامل بین کودکان سنین و استعداد های مختلف و در نتیجه رشد مهارتهای اجتماعی ایفا کند. از طرف دیگر، اهمیت این کلاسها به دلیل اینکه اکثر مؤلفه های اجتماعی در این کلاسها تمرین می شود، محرز است. چرا که فرصت تمرین (تقویت)

8. Michelson

گروه سنی کوچکتر توسط گروه سنی بزرگتر و نیز فرصت ابراز خود برای گروه سنی بالاتر و نیز توضیح دادن هنگام آموزش به گروه سنی کوچکتر، بسیار زیاد است. رعایت کردن نوبت، مؤلفه دیگر مهارت‌های اجتماعی است که در این کلاسها به خودی خود تمرین می‌گردد. کودکان هنگام آموزش پایه توسط آموزگار، منتظر فرصت می‌مانند و رعایت نوبت به صورت تجربه آموخته می‌شود. به طور کلی با توجه به تحقیقات گذشته و همچنین عنایت به نتایج بدست آمده در این تحقیق می‌توان گفت که آموزش در کلاسهای چندپایه عاملی برای رشد مهارت‌های اجتماعی است.

منابع

- آقازاده و فضل‌ی (۱۳۸۴). **راهنمای آموزش در کلاسهای درس چندپایه**. تهران: انتشارات آئیز.
- آمار وزارت آموزش و پرورش**. (۱۳۸۸). تهران: مرکز نشر آمار آموزش و پرورش.
- اسدکی، پری (۱۳۸۰). **مقایسه وضعیت آموزشی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با کلاس‌های عادی (تک پایه)**. طرح پژوهشی. توسط شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- اسدکی، پری (۱۳۸۰). **بررسی مشکلات روشهای موجود تدریس در کلاسهای چندپایه و ارائه روشهای مناسب تر تدریس در این کلاسها در شهرستان گلپایگان**.
- اسماعیل پور، خلیل (۱۳۸۶). **مقایسه نگرش و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی نمونه و غیر دولتی شهرساتنهای تهران**. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اقدامی، علی اکبر (۱۳۸۰). **میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چندپایه و تک پایه پنجم ابتدایی در روستاهای شهرضا**. طرح پژوهشی. توسط شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- جمشیدی، عفت (۱۳۸۱). **مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به نارساییهای ویژه یادگیری و دانش‌آموزان عادی ۸ تا ۱۲ ساله**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- حاجی اسحاق، سهیلا (۱۳۸۹). **مدارس تک اتاقی**. تهران: انتشارات کورش.
- صمدیان، صمد (۱۳۸۷). **شیوه اداره و تدریس در کلاسهای چندپایه**. (معاونت آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی).

- غفاری، محمدحسن (۱۳۸۱). **بررسی تأثیر مدیریت آموزشی کلاسهای چندپایه بر یادگیری و انضباط دانش آموزان**. (طرح پژوهشی شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی).
- غفاری، علی (۱۳۸۱). **آموزش مطلوب در کلاسهای چند پایه**. طرح پژوهشی. مرکز آموزش و پرورش استان کرمان.
- فخری، غیاث و بینازاده (۱۳۸۵). **مهارتهای زندگی سال دوم راهنمایی**. تهران: انتشارات هنر آبی.
- کارتلیج، جی و میلبرن، جی. اف (۱۳۷۵). **آموزش مهارتهای اجتماعی به کودکان**. ترجمه محمد حسین نظری نژاد. چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۰). **رقابت یا رفاقت در کلاس درس**. مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سی و یکم، شماره ۲ پائیز و زمستان.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۱). **تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارتهای اجتماعی و یادگیری درس ریاضی**. رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کومینگز، ویلیام، کک و دال، فرانک. پی (۱۳۷۶). **بهبودی کیفیت آموزش ابتدائی در کشورهای در حال گذر** (ترجمه مرتضی مشتاقی) تهران: انتشارات عقیق.
- مارک و بری (۱۳۸۱). **آیا مدارس کوچک راه حل مناسبی است؟** (ترجمه روح الله میرزایی) تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- مددی امام زاده، زهرا (۱۳۸۳). **بررسی و مقایسه مهارت های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش آموزان کلاس های چندپایه و تک پایه (مدارس ابتدایی)**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- مکوسانا و کاپیسا (۱۳۸۶)، **خودآموز تدریس چندپایه**. (ترجمه محرم آقازاده). تهران: انتشارات آئیژ.
- نیکبخت، یوسف علی (۱۳۷۵). **مقایسه وضعیت آموزشی دانش آموزان کلاسهای چندپایه با کلاس عادی (تک پایه) دوره ابتدائی استان اصفهان طی سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۲**. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- Adams, Rodger (2010). **The "Striven" Project**. [http://www. cmge. co. za/category/5-domains/](http://www.cmge.co.za/category/5-domains/)
- Association for the Development of Education in Africa (ADEA). (2010). **International Conference on Multi-Grade Education will develop policy and strategy to address teacher shortages and improve teaching and learning in rural and hard-to reach areas**. <http://en.afrik.com/article17173.html>

- Blum, Nicole ; Diwan, Rashmi(2007) . **Small, Multigrade Schools and Increasing Access to Primary Education in India: National Context and NGO Initiatives** .[.http://www.create-rpc.org/pdf_documents/PTA17.pdf](http://www.create-rpc.org/pdf_documents/PTA17.pdf)
- Lalit Kishore, Bagota(2009) . **The system of unitary schools in Colombia** .
http://www.mynews.in/News/The_system_of_unitary_schools_in_Colombia_N34419.html
- Gauvain, M; Cole, M. (2000). **"Reading on the Development of children"**. Third edition, worth publishers.
- Katherine I, Sargent. (2005). **The Maine Learning Technology Initiative: What is the Impact on Teacher Beliefs and Instructional Practices?**
http://usm.maine.edu/cepare/Reports/MLTI_Impact_Teacher_Beliefs.pdf
- Mason, D.A, and Burns, RB. (1994). **"A Review of the literature on combination classes"**. Riverside: University of California, California educational research cooperative.
- Mcclelland, dian E, Ph.D. (2001). **"Children s Social behaviors in relation to participation in mixed-age or Sam-age classroom school programs"**. Dissertation Abstracts international.
- Michelson, L. (1983). **"Social skills assessment and training with children"**. New York Plenum.
- Michelson, L. (1983). **Social skills assessment and training with children**. New York, plenum.